



امتیاز تنباکو چه بود/ چگونه میرزای شیرازی حکم به تحریم تنباکو داد

فتوای تاریخی آیت الله میرزا حسن شیرازی در تحریم تنباکو، توطئه ای را که به سال 1309 ه. ق به دست ناصر الدین شاه قاجار با واگذاری امتیاز دخانیات ایران...

سالروز لغو امتیاز تنباکو؛

امتیاز تنباکو چه بود/ چگونه میرزای شیرازی حکم به تحریم تنباکو داد

فتوای تاریخی آیت الله میرزا حسن شیرازی در تحریم تنباکو، توطئه ای را که به سال 1309 ه. ق به دست ناصر الدین شاه قاجار با واگذاری امتیاز دخانیات ایران به مدت پنجاه سال به انگلیسی ها در حال شکل گرفته بود، در نطفه نابود کرد. آیت الله حاج میرزا محمد حسن حسینی شیرازی از علمای عالیقدر شیعه می باشد. میرزا در اوایل زندگی به سال 1248 ه. ق از زادگاه خویش شیراز به اصفهان رفت و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم فقیه و تقلید پرداخت و در سال 1259 ه. ق به عتبات عالیه رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال 1291 ه. ق در سامرا اقامت گزید و به تدریس و تعلیم مشغول شد تا اینکه به سال 1312 ه. ق به رحمت پروردگار نایل آمده و در نجف به خاک سپرده شد.

فتوای تاریخی وی در تحریم تنباکو، توطئه ای را که به سال 1309 ه. ق به دست ناصر الدین شاه قاجار با واگذاری امتیاز دخانیات ایران به مدت پنجاه سال به انگلیسی ها در حال شکل گرفته بود، در نطفه نابود کرد.

اعطای امتیاز تنباکو

ناصرالدین شاه در سومین سفرش به اروپا، در 12 شعبان 1306 ه. ق از راه روسیه به انگلستان رفت و چون در اثر ولخرجیهای زیاد و عیاشیها، پولش تمام می شود امتیازی را در زمینه کشت، توزیع و فروش توتون و تنباکو به یک نفر انگلیسی به نام "ماژو تالبوت" می دهد و در مقابل مقداری پول می گیرد. مذاکره در شهر "براتین" شروع شد. در این مذاکره اعتماد السلطنه و تالبوت به توافق رسیدند و وقتی شاه به "براتین" آمد، تالبوت توانست با دادن رشوه هایی به درباریان از جمله امین السلطان نظر موافق شاه را به دادن انحصار دخانیات، در مقابل دریافت 25 هزار لیره جلب کند. بعد از برگشتن شاه به ایران تالبوت نیز برای شروع کار به ایران آمد طبق قرارداد یاد شده، کمپانی رژی باید سالانه 15 هزار لیره به صندوق دولت ایران واریز می کرد و در عوض کشت و فروش توتون و تنباکو را در انحصار خود می گرفت، سیاستی که استعمار پیر انگلستان در این گونه موارد به کار می برد، این بود که شخصی را رابط قرار می داد که آن شخص امتیاز بگیرد؛ اما در اصل امتیاز از آن انگلستان بود.

صدور فتوای تحریم تنباکو

بعد از امضای قرارداد، کارکنان شرکت انگلیسی وارد ایران شده و در شهرها پراکنده گردیدند؛ اما مردم از ورود آنان به داخل شهرها جلوگیری کردند. در این موقع سید جمال الدین اسدآباد به پیشنهاد سید علی اکبر فال اسیری که در تبعید بود، نامه ای به میرزای شیرازی نوشت که این نامه بیانگر درک عمیق سید از وضعیتی است که مردم آن زمان داشتند و بیان می کند که میرزای شیرازی به خاطر موقعیت خاص خود، چه مسئولیت سنگینی برعهده اش است، به خاطر اهمیت نامه، خلاصه ای از آن نقل می شود.

"حق را بگویم، من دوست داشتم این نامه را به همه دانشمندان تقدیم کنم، چون دانشمندان در هر نقطه ای طلوع نموده و هر نحوی که رشد کرده، در هر کجا که یافت بشوند، جانی هست که در پیکر دین محمد (ص) دمیده شده است... پیشوای دین، پرتو درخشان انوار ائمه، پایه تخت دیانت! زبان گویای شریعت، جناب حاج میرزا محمد حسن شیرازی... تو وارث پیامبرانی... همان ولایت عالم فقیه بر جامعه... اگر ملت را به حال خود گذاشته... افکارشان پریشان می شود... چون توده نادان در معتقدات خود جز استقامت و ثبات قدمی که طبقه دانا در عقایدش نشان می دهد، دلیلی ندارد اگر بخواهی می توانی با یک کلمه افراد پراکنده را جمع کنی و با متفق ساختن آنها دشمن خدا و دشمن مسلمانان را بترسانی و شر کفار را از سرشان برطرف نمایی..."

سید نامه هایی نیز به علمای داخل کشور می نویسد. بعد از وصول نامه، میرزای شیرازی در تاریخ 19 ذی الحجه 1308 ه. ق 17 ماه پس از امضای قرارداد با کمپانی رژی- به وسیله کامران میرزا نایب السلطنه، تلگرافی را به نزد شاه می فرستد و می گوید کسانی را که تبعید کرده به کشور بازگرداند و در مورد قرارداد، مخالفت خود را ابراز کند. وقتی این تلگراف به دست شاه می رسد اعتنا نمی کند و فقط خود شاه، امین السلطان و چند نفر دیگر از این تلگراف باخبر می شوند.

ناصرالدین شاه برای پاسخ به نامه میرزای شیرازی، به میرزا مشیر الوزاره کارپرداز ایران در بغداد می گوید چون تلگراف مفصل است با

پست فرستاده ایم که در واقع دروغی بیش نبوده است. ناگهان در تهران، حکم تحریم تنباکو از طرف آیت الله میرزای شیرازی به این شرح صادر می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

"اليوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است". در شهر ولوله ای می افتد هر کس که سواد دارد، از روی آن نسخه ای بر می دارد. این حرکت نشانگر آغاز یک مبارزه مکتبی علیه استعمار بود.

در این موقع شاه و امین السلطان با استفاده از خواجگان معمم درباره این حکم میرزا را، جعلی قلمداد می کنند؛ اما مردم گول نخورده و به مبارزه خود ادامه می دهند تا اینکه امتیاز داخلی دخانیات از طرف شاه لغو می شود. علما و مردم به این اکتفا نکرده و خواستار لغو امتیاز خارجی نیز می شوند.

پس از حکم میرزا قلیانها شکسته می شود و مردم از کشیدن توتون و تنباکو دست می کشند و تمام مغازه های فروش توتون و تنباکو را می بندند و با شرکت رژی نیز معامله نمی کنند. این جریان ادامه می یابد تا اینکه در تاریخ 23 جمادی اول 1309، اعلانی در کوچه و بازار زده می شود: "بحسب حکم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای میرزای شیرازی، اگر تا 48 ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم دوشنبه آتیه جهاد است، مردم مهیا شوید."

شاه بسیار ناراحت می شود و خارجیان از ترس جان از تهران و دیگر شهرها فرار می کند. شاه روش خشونت آمیزی پیش می گیرد تا بتواند علما را از راه تهدید به حبس و تبعید ساکت کند. رئیس کمپانی رژی به پیش امین السلطان می رود و می خواهد که امین السلطان، علما را راضی کند و حتی از وی تقاضا می کند که میرزای آشتیانی را از تهران تبعید کند. امین السلطان این موضوع را به شاه می رساند و پس از اصرار زیاد امین السلطان، شاه می پذیرد و طی نامه ای به میرزای آشتیانی این چنین می نویسد: "یا بمان و به بالای منبر برو و قلیان بکش و یا از تهران خارج شو."

میرزای آشتیانی یک شب مهلت می گیرد که وسایل سفرش را آماده کند. در بامداد روز دوشنبه سوم جمادی الثانی 1309 میرزای آشتیانی قصد خروج از تهران می کند که مردم به خیابان ها می ریزند و در حالی که کفن پوشیده بودند، با شعار "یا غریب الغرباء، می رود سرور ما" به سوی خانه میرزا حرکت می کنند: جمعیت تا ظهر به چندین هزار نفر می رسد. دکانهایی که باز بودند می بندند. در آنجا امام جمعه تهران بالای منبر می رود و مردم را دعوت به سکوت می نماید. از میان مردم چند نفر او را پایین می کشند و کتکش می زنند. پس از این ماجرا، شاه شخصی را به پیش میرزای آشتیانی می فرستد که منظور شما چیست؟ میرزا در جواب می گوید: "تنها مقصود ما لغو امتیاز انحصار دخانیات اعم از داخله و خارجه و کوتاه کردن دست خارجی هاست و هیچ تقاضای دیگری نداریم" ناصرالدین شاه در جواب به امین السلطان می نویسد: "نایب السلطنه امتیاز داخله را که برداشته بودیم حال امتیاز از خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور در کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جانب میرزای شیرازی برسد."

فرمان در میان مردم پخش می شود اما تاثیری در آنها نمی کند. مردم به نایب السلطنه حمله ور می شوند. امین السلطان دستخط شاه را مبنی بر لغو امتیاز خارجه تسلیم میرزای آشتیانی می کند. علما برای اینکه بفهمند حکم تحریم هنوز سرجایش هست یا نه، به میرزای شیرازی در سامراء تلگراف می زنند. میرزا در جواب می گوید: "در سر جایش هست تا موقعی که دستخط آشتیانی مبنی بر حقیقت داشتن لغو امتیاز بیاید" در همین زمان اعلامیه ای دائر بر لغو امتیاز تنباکو منتشر می شود. علما دوباره از میرزای شیرازی می خواهند که آیا حکم سرجایش هست یا نه؟ که میرزا این حکم را صادر می کند: "حکم تحریم لغو شد"

در روز سه شنبه 25 جمادی الثانی 1309، اعلامیه ای منتشر شد که مردم می توانند با آسایش خاطر قلیان، چپق و سیگار بکشند. سرانجام امتیاز تنباکو لغو و از طرف کمپانی 500 هزار لیره غرامت تعیین شد. در بهمن سال 1275 مطابق با 5 آوریل 1892 این مطلب به امضای ناصرالدین شاه رسید.